

بررسی عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری و ابزارهای مناسب تأمین نقدینگی کشاورزان: مطالعه موردی شرکت‌های تعاونی روستایی استان فارس*

بهاء الدین نجفی**^۱، محمدحسن طرازکار^۲، عبدالرسول شیروانیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۰۱

چکیده

با توجه به اهمیت منابع تأمین نقدینگی در فعالیتهای کشاورزی، اهداف این مطالعه بررسی عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تعاونی‌های روستایی استان فارس و شناسایی ابزارهای مناسب تأمین نقدینگی تولیدکنندگان کشاورزی می‌باشد. برای این منظور از تئوری سرمایه‌گذاری استفاده و آمار و داده‌های مورد نیاز مطالعه از اطلاعات موجود در ترازنامه‌ها، صورت‌حساب‌های سرمایه و سود و زیان ۳۲ شرکت‌های تعاونی روستایی طی دوره‌ی مالی ۸۶-۱۳۸۵ جمع‌آوری شد. علاوه بر این با یک نمونه‌ی ۱۵ نفری از مدیران عامل و نمونه‌ی ۱۵۲ نفری از اعضاء تعاونی‌ها مصاحبه و اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. نتایج مطالعه نشان داد که میزان جریان نقدی و موجودی نقدی نقش اساسی در رفتار سرمایه‌گذاری تعاونی‌های روستایی استان دارند. همچنین سودآوری نهایی، اندازه‌ی واحد و نسبت بدهی به سرمایه از جمله عوامل تاثیرگذار بر سرمایه‌گذاری در تعاونی‌های روستایی می‌باشند. نتایج حاصل از محاسبه معیار قدرت مدیریت مالی شرکت‌ها نشان داد که مدیران ۳۳ درصد از شرکت‌های تعاونی روستایی از قدرت مدیریت مالی مناسبی برخوردار می‌باشند. در پایان مقاله، ساختاری برای تأمین مالی و افزایش نقدینگی شرکت‌های تعاونی روستایی پیشنهاد گردیده است.

طبقه‌بندی *JEL*: D22, G21

۱- استاد دانشگاه شیراز و دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.

۲- دانشجویان دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز.

**این پژوهش با حمایت مالی موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی و توسعه روستائی انجام شده است.

** نویسنده‌ی مسئول مقاله: banajfi@gmail.com

واژه‌های کلیدی: رگرسیون به ظاهر نامرتبط SURE، سیستم تقاضای معکوس تقریباً ایده‌آل، کشش‌های خودمقداری و متقاطع.

پیشگفتار

علی‌رغم اینکه از بعد تولید، بخش کشاورزی ایران یکی از بخش‌های مهم اقتصاد کشور می‌باشد، اما میزان تشکیل سرمایه در این بخش در مقایسه با عملکرد و ظرفیت‌های آن و نیز در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، قابل توجه نمی‌باشد. این در حالی است که به‌منظور گذار موفقیت آمیز بخش کشاورزی از وضعیت سنتی به تجاری و مدرن، نیازمند سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در این بخش است. به‌طوری‌که تأمین سرمایه و توجه به سرمایه‌گذاری به یکی از ضرورت‌های بخش کشاورزی به‌منظور نیل به توسعه بدل گردیده است. تأمین سرمایه و افزایش سرمایه‌گذاری موجب افزایش بهره‌وری عوامل دیگر تولید، رفع کمبودهای هزینه‌ای کشاورزان برای پذیرش تکنولوژی جدید و بهبود وضعیت تولیدی و درآمدی کشاورزان می‌شود (کوپاهی، ۱۳۷۲؛ کرمی، ۱۳۷۹؛ میر و همکاران، ۱۳۸۳).

در این میان بازارهای مالی روستایی به‌عنوان مهم‌ترین منبع تأمین‌کننده سرمایه‌ی مورد نیاز بخش کشاورزی مطرح می‌باشند. درباره‌ی تأمین مالی و نقش بازار مالی روستایی، به‌طور کلی دو دیدگاه وجود دارد که در ادبیات موجود تحت عناوین رهیافت سنتی و رهیافت نوین شناخته می‌شود. در رهیافت سنتی که پیشینه‌ی آن به دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی باز می‌گردد، به مقوله‌ی تأمین مالی کشاورزان یا تدارک وام برای آنها به‌صورت جریان یکسویه‌ی تزریق سرمایه به کشاورزی نگریسته می‌شود. در این رهیافت، با کمک به روستاییان و کشاورزان در افزایش درآمد، سرمایه‌ی کافی برای سرمایه‌گذاری مورد نیاز تأمین و از این طریق وام‌دهندگان غیررسمی حذف خواهند شد. راه حل استاندارد برای انجام این کار، تأسیس نهادهای مالی دولتی بوده و بر این اساس مؤسسه‌های تخصصی اعتبارات کشاورزی در بسیاری از کشورها از جمله ایران شکل گرفتند (قربانی، ۱۳۷۶؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵).

در رهیافت نوین که از اوایل دهه ۸۰ سامان یافته، به مقوله‌ی تأمین مالی کشاورزان همچون فرآیند واسطه‌گری به شکل مبادله‌ی دارایی‌ها و بدهی‌های مالی بین فعالان اقتصادی روستا نگریسته می‌شود. در این رهیافت، تجهیز پس‌اندازهای کشاورزان، بیش از دیگر ابعاد تأمین مالی مورد توجه قرار گرفته و بیشتر بر ورود غیرمستقیم دولت و حذف یارانه‌ها تأکید شده است. بر پایه‌ی این دیدگاه و برخلاف دیدگاه سنتی، اعطای اعتبارات ارزان و یارانه‌ای لزوماً به رشد اقتصادی منجر نمی‌گردد. زیرا یک طرح یا فعالیت، تنها به پشتوانه‌ی اعتبارات ارزان، از توجیه اقتصادی برخوردار نخواهد شد، ضمن آن‌که با در نظر گرفتن هزینه‌های جانبی، معلوم نیست که کل هزینه‌های

دریافت وام رسمی از هزینه‌ی دریافت وام از منابع غیررسمی کمتر باشد (قربانی، ۱۳۷۶؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵).

در بخش کشاورزی ایران، تخصیص اعتبارات از یک سو به علت فقدان درآمد کافی کشاورزان برای سرمایه‌گذاری و از طرف دیگر به علت ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اعتبارات کوتاه‌مدت در تأمین نیازهای جاری کشاورزان و اعتبارات میان‌مدت و بلندمدت در ایجاد سرمایه‌گذاری زیربنایی برای تولیدکنندگان بخش کشاورزی دارای اهمیت بوده و باعث افزایش بهره‌وری و کارایی آنها می‌گردد. بر این اساس در سیاست اعتباری کشور در بخش کشاورزی، همواره پرداخت تسهیلات با نرخ بهره کم به منظور ارتقاء سطح سرمایه‌گذاری، به‌ویژه برای کشاورزان کم‌درآمد مورد توجه بوده است (خزاعی، ۱۳۷۹؛ احمد پور برازجانی و حسینی پور، ۱۳۸۶).

با توجه به اینکه کمبود نقدینگی تولیدکنندگان کشاورزی یکی از مشکلات اساسی بخش کشاورزی در کشورهای مختلف است، مطالعات متعددی در این زمینه در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. هشی و همکاران (۱۹۹۱) در ژاپن به بررسی رابطه میان ساختار مالی و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های سهامی مستقل و وابسته به دولت پرداخته‌اند. برای این منظور از تئوری سرمایه‌گذاری Q استفاده شد. نتایج مطالعه بیانگر آن است که نقدینگی در شرکت‌های مستقل نسبت به نقدینگی در شرکت‌های وابسته از اهمیت بیشتری برخوردار است و شرکت‌های مستقل رابطه‌ی ضعیف‌تری با بانک‌ها داشته و در افزایش سرمایه با مشکلات بیشتری مواجه می‌باشند.

بیرلن و فیدرستون (۱۹۹۸)، با استفاده از تئوری سرمایه‌گذاری Q به بررسی سرمایه‌گذاری کشاورزان آمریکایی در ماشین‌آلات کشاورزی پرداختند. نتایج مطالعه‌ی این محققین بیانگر آن است که محدودیت‌های مالی بر سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات کشاورزی موثر بوده و سطوح بدهی عامل تعیین‌کننده در محدودیت‌های اعتباری است و با افزایش بدهی، دسترسی به اعتبارات کاهش می‌یابد.

اریکسون و وایتند (۲۰۰۰) به بررسی رابطه میان سرمایه‌گذاری با جریان‌ات نقدی با استفاده از تئوری سرمایه‌گذاری Q پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که جریان‌ات نقدی حتی در مورد شرکت‌هایی که دارای محدودیت مالی هستند، نیز مسئله‌ساز نبوده و جریان‌ات نقدی دلیلی بر محدودیت مالی نمی‌باشد.

چاداد و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی محدودیت سرمایه‌های شرکت‌های تعاونی کشاورزی در آمریکا با استفاده از تئوری سرمایه‌گذاری Q پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که جریان‌ات نقدی در سرمایه‌گذاری اثر مثبت و معنی‌داری داشته و بیانگر محدودیت مالی در این تعاونی‌ها است.

همچنین اندازه‌ی تعاونی در حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان‌های نقدی اثر معنی‌دار دارد، به‌گونه‌ای که هرچه اندازه‌ی تعاونی بزرگتر باشد، حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان‌های نقدی کمتر است. علاوه بر آن ریسک اعتبار مالی و معیار اهرم مالی، به‌صورت معنی‌داری رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌های تعاونی کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در داخل کشور نیز مطالعاتی در خصوص بررسی عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری با استفاده از تئوری سرمایه‌گذاری Q انجام شده است. از جمله فلاحی و چشمی (۱۳۸۳) با استفاده از تئوری سرمایه‌گذاری Q به بررسی عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که به‌دلیل کسر هزینه‌ی بهره‌ی بدهی‌های شرکت از سود مشمول مالیات، این شرکت‌ها تمایل زیادی به تأمین مالی سرمایه‌گذاری مورد نیاز خود، از طریق بدهی دارند. در عین حال میزان کل بدهی‌های شرکت‌های یادشده به‌دلیل وجود محدودیت‌های غیربازاری در موسسات اعتباری کشور، اثر معنی‌داری بر سرمایه‌گذاری آنها ندارد. اعطای وام و اعتبارات به شرکت‌ها معمولاً بر اساس نیاز واقعی شرکت‌ها انجام نمی‌شود، بلکه بسیاری از موارد غیربازاری در اعطای وام دخالت دارد.

همچنین حسن‌پور کاشانی (۱۳۸۶) وضعیت محدودیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری در تعاونی‌های تولید کشاورزی استان فارس را با استفاده از تئوری سرمایه‌گذاری Q مورد بررسی قرار داد. نتایج مطالعه نشان داد که محدودیت‌های مالی موجود در شرکت‌های یادشده موجب کاهش سرمایه‌گذاری آنان و افزایش حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان‌های نقدی شده است. علاوه بر آن، موجودی نقدی، اندازه‌ی تعاونی و معیار ریسک اعتبار مالی، سبب کاهش حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان‌های نقدی در این شرکت‌ها شده است. همچنین نسبت بدهی به سرمایه که معیار اهرم مالی است، رفتار سرمایه‌گذاری شرکت‌های تعاونی را تحت تأثیر خود قرار داده است. با توجه به موارد فوق، این مطالعه در صدد شناسایی ابزارهای مناسب تأمین نقدینگی تولیدکنندگان کشاورزی و بررسی عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری تعاونی‌های روستایی استان فارس می‌باشد.

مواد و روش‌ها

به‌منظور تحقیق اهداف مطالعه از تئوری سرمایه‌گذاری Q استفاده شده است. این تئوری از مهم‌ترین نظریه‌های نئوکلاسیک سرمایه‌گذاری است که بر پایه‌ی حداکثرسازی سود بنگاه‌ها در سطح خرد قرار داشته و در تجزیه و تحلیل محدودیت مالی شرکت‌های تعاونی روستایی از این تئوری استفاده شده است. در این تئوری به‌دلیل ارتباط تنگاتنگ سرمایه‌گذاری با بازارهای مالی، بر بازارهای مالی تأکید زیادی شده است. به‌طوری‌که در صورت عدم وجود اصطکاک در بازارهای مالی و شفافیت کامل اطلاعات، منابع تأمین مالی داخلی و خارجی به‌منظور تأمین وجوه لازم برای

سرمایه‌گذاری بنگاه‌های یادشده، جانشین کامل یکدیگر بوده و متغیرهای مالی نقشی در سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری سرمایه نخواهند داشت. بر این اساس تئوری سرمایه‌گذاری Q بیانگر آن است که در صورت وجود شرایط مناسب در بازارهای مالی از جمله شفافیت کامل اطلاعات، سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری آن در بنگاه‌ها صرفاً مبتنی بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری است. فرصت‌های یادشده بیانگر ارزش انتظاری تنزیل شده سود سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف می‌باشد. زیرا بر مبنای این تئوری، یک بنگاه می‌تواند بین فعالیت‌های مختلف سرمایه‌گذاری به انتخاب بپردازد. در این انتخاب، آنچه به‌عنوان معیار مورد توجه قرار می‌گیرد، هزینه فرصت سرمایه‌ی به‌کارگرفته شده می‌باشد (فلاحی و چشمی، ۱۳۸۳؛ چاداد و همکاران، ۲۰۰۵). بیان ریاضی تئوری سرمایه‌گذاری Q به صورت زیر است (چاداد و همکاران، ۲۰۰۵):

$$\frac{I_i}{K_i} = \beta_0 + \beta_1 q_i + \varepsilon_i \quad (1)$$

که در آن، I_i میزان سرمایه‌گذاری شرکت تعاونی روستائی i ام، K_i موجودی سرمایه ابتدای دوره شرکت تعاونی روستائی i ام، q_i سودآوری نهائی سرمایه در شرکت تعاونی روستائی i ام و ε_i جزء اخلاص می‌باشد. لازم به ذکر است که میزان سرمایه‌گذاری شرکت تعاونی روستائی از طریق تغییر در دارایی‌های فیزیکی در دوره (سال)های مختلف اندازه‌گیری می‌شود. دارایی‌های فیزیکی شامل مواردی از قبیل ساختمان، تاسیسات، ماشین‌آلات و تجهیزات است. سودآوری نهائی نیز معیاری برای تعیین تقاضای سرمایه‌گذاری است که به‌صورت زیر بیان می‌شود:

$$q = \frac{[P_t y_k + P_t (1-\delta)]}{P_{t-1}^I} \quad (2)$$

که در آن P_{t-1}^I هزینه افزایش در موجودی سرمایه در زمان $t-1$ و صورت کسر نیز بیانگر افزایش در ارزش سرمایه بنگاه در زمان t می‌باشد. در صورت کسر، $P_t y_k$ افزایش در فروش کالای سرمایه‌ای بنگاه در زمان t ، $P_t (1-\delta)$ افزایش در ارزش سرمایه بنگاه در زمان t ، P^I قیمت کالای سرمایه‌ای، r نرخ بهره و δ نرخ استهلاک می‌باشد.

عدم شفافیت اطلاعات در بازارهای سرمایه و نیز متفاوت بودن شرایط حاکم بر هر یک از شرکت‌های تعاونی، بالطبع موجب بروز اثرات متفاوت متغیرهای مالی بر سرمایه‌گذاری در این تعاونی‌ها و در نتیجه لزوم توجه به تئوری تعمیم یافته سرمایه‌گذاری Q می‌گردد. عدم شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه، موجب تفاوت در هزینه‌ی تأمین مالی داخلی و خارجی شده، به‌طوری‌که شرکت تعاونی روستائی بسته به میزان و وسعت استفاده از منابع مختلف وجوه سرمایه‌گذاری، صرفاً با یک هزینه‌ی مشخص برای تأمین سرمایه مواجه نمی‌باشد. بلکه بسته به منبع تأمین مالی،

هزینه‌ای متناسب با آن منبع برای تأمین سرمایه می‌پردازد. این تفاوت در هزینه‌های تأمین سرمایه، تصمیم به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تعاونی روستائی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در این شرکت‌های تعاونی تحت تاثیر ترجیحات شخصی افراد و گروه‌های فعال در آنها قرار دارد. در یک شرکت تعاونی با ترکیب گروه‌ها و افراد مختلف، اهداف متفاوتی دنبال شده و هر گروه یا فردی در تلاش برای حداکثر نمودن مطلوبیت فردی خود است. به عنوان نمونه، مدیران شرکت‌های تعاونی سعی در حداکثر کردن مطلوبیت خود دارند. بر این اساس این مدیران، برنامه کاهش نسبت بدهی به سرمایه شرکت و در نتیجه کاهش ریسک مالی شرکت تحت مدیریت خویش را دنبال می‌نمایند تا از این طریق احتمال ورشکستگی شرکت را حداقل و در نهایت، مطلوبیت خود را حداکثر سازند (مورای، ۱۹۸۳؛ روسو و همکاران، ۲۰۰۰؛ چاداد و همکاران، ۲۰۰۵). بدین ترتیب با در نظر گرفتن مجموع موارد فوق تابع تعمیم یافته سرمایه‌گذاری به صورت زیر بیان می‌گردد:

$$\frac{I_i}{K_i} = \beta_0 + \beta_1 q_i + \beta_2 CF_i + \beta_3 CS_i + \beta_4 S_i + \beta_5 Dr_i + \beta_6 Zscore_i + \varepsilon_i \quad (3)$$

در این تابع، CF_i جریان‌ات نقدی شرکت تعاونی i ام، CS_i موجودی نقدی شرکت تعاونی i ام، S_i اندازه شرکت تعاونی i ام، Dr_i معیار اهرم مالی شرکت تعاونی i ام و $Zscore_i$ معیار اعتبار مالی شرکت تعاونی i ام می‌باشد. سایر متغیرها قبلاً تعریف شده‌اند. در این رابطه جریان‌ات نقدی شرکت تعاونی با استفاده از مجموع درآمد خالص و ذخیره استهلاک منهای درآمدهای حمایتی غیرنقدی و سودهای تقسیم شده و سود یا زیان ناشی از فروش دارائی محاسبه می‌شود. موجودی نقدی شرکت تعاونی روستائی با استفاده از دارایی‌های جاری شرکت در ابتدای هر دوره‌ی مالی اندازه‌گیری، اندازه‌ی شرکت تعاونی روستائی با استفاده از دارایی کل شرکت بیان و معیار اهرم مالی نیز با استفاده از نسبت بدهی‌ها به سرمایه‌ی شرکت نشان داده می‌شود. معیار اعتبار مالی شرکت تعاونی روستائی با استفاده از رابطه‌ی زیر محاسبه می‌گردد (چاداد و همکاران، ۲۰۰۵):

$$Zscore_i = 1.2x_{1i} + 1.4x_{2i} + 3.3x_{3i} + 0.6x_{4i} + 0.99x_{5i} \quad (4)$$

که در آن، x_{1i} نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌های شرکت تعاونی روستائی i ام، x_{2i} نسبت سود انباشته شده به کل دارایی‌های شرکت تعاونی روستائی i ام، x_{3i} نسبتی است که از تقسیم سود شرکت قبل از توزیع و پرداخت مالیات به‌علاوه مخارج بهره‌ای بر کل دارایی‌های شرکت تعاونی روستائی i ام به‌دست می‌آید، x_{4i} نسبت ارزش خالص سرمایه به کل دارایی شرکت تعاونی روستائی i ام و x_{5i} نسبت درآمد حاصل از فروش به کل دارایی شرکت تعاونی روستائی i ام می‌باشد.

همچنین در ادامه قدرت مدیریت مدیران شرکت‌های تعاونی PW_i از رابطه‌ی زیر استفاده شد (روسو و همکاران، ۲۰۰۰):

$$PW_i = f(-PP)_i + f(PC)_i + f(LM)_i + f(-PM)_i \quad (۵)$$

در این رابطه PP_i نسبت سود توزیع شده در میان سهامداران به کل سود در شرکت تعاونی i ام، PC_i نسبت سود توزیع نشده به کل سود در شرکت تعاونی i ام، LM_i لگاریتم طبیعی تعداد اعضای شرکت تعاونی i ام، PM_i درصد افراد شرکت کننده در جلسات سالانه شرکت تعاونی i ام و $f(\cdot)$ یک عملگر به صورت زیر می‌باشد (روسو و همکاران، ۲۰۰۰؛ حسن پور کاشانی، ۱۳۸۶):

$$f(x_i) = \begin{cases} +1 & \forall x_i > \bar{x} + \sigma \\ 0 & \forall \bar{x} - \sigma \leq x_i \leq \bar{x} + \sigma \\ -1 & \forall x_i < \bar{x} - \sigma \end{cases} \quad (۶)$$

که x_i ارزش هر یک از چهار متغیر مورد استفاده در محاسبه شاخص قدرت مدیریت مدیران در شرکت تعاونی i ام، \bar{x} میانگین نمونه به ازای هر یک از چهار متغیر یادشده، σ انحراف معیار نمونه می‌باشد. هر یک از این چهار متغیر، جنبه‌ای از عملکرد مدیران شرکت تعاونی را مورد توجه قرار می‌دهد. مجموع این متغیرها در قالب رابطه‌ی (۷) قدرت مدیریت مدیران را بیان می‌نماید که دامنه‌ی آن بین ۴- تا ۴+ می‌باشد. در این دامنه ارزش مثبت PW بیانگر وجود قدرت مدیریت در مدیران و ارزش منفی آن بیانگر فقدان قدرت مدیریت در مدیران شرکت تعاونی است (روسو و همکاران، ۲۰۰۰؛ حسن پور کاشانی، ۱۳۸۶).

آمار و اطلاعات مورد نیاز مطالعه از دو بخش تشکیل شده اند. در بخش اول داده‌های مورد نیاز از اطلاعات موجود در ترازنامه‌ها، صورت حساب‌های سرمایه و سود و زیان شرکت‌های تعاونی روستایی استان فارس طی دو دوره مالی ۸۶-۱۳۸۵ جمع آوری شد. داده‌های سال ۱۳۸۶ برای برآورد مدل‌ها و داده‌های ۱۳۸۵ برای اندازه‌گیری تغییر در متغیرهایی از قبیل میزان سرمایه، درآمد و سود مورد استفاده قرار گرفت. بخش دیگر آمار و اطلاعات مورد نیاز به روش پیمایشی و از طریق تکمیل پرسشنامه و انجام مصاحبه با اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی و مدیران عامل آنها به دست آمد. در روش پیمایشی، نیز شهرستان‌های اقلید، مرودشت و داراب انتخاب گردیدند و در نهایت ۳۲ شرکت تعاونی از سه شهرستان فوق انتخاب گردیدند. در ادامه با نمونه‌ی ۱۵ نفری از مدیران عامل و نمونه‌ی ۱۵۲ نفری از اعضا شرکت‌ها، مصاحبه و پرسشنامه‌ها تکمیل گردید.

نتایج و بحث

تعداد تعاونی‌های روستایی استان فارس تا پایان سال ۱۳۸۶ به ۱۸۸ واحد بالغ گردیده و چگونگی پراکندگی این تعاونی‌ها در سطح شهرستان‌های استان فارس در نمودار ۱ نشان داده شده است. در

این سال مجموع سرمایه‌ی شرکت‌های تعاونی روستایی بالغ بر ۵۱ میلیارد ریال بوده و ذخیره‌ی قانونی این تعاونی‌ها در حدود ۱۴۷ میلیارد ریال می‌باشد.

همانطور که از نمودار ۱ مشخص است، سه شهرستان منتخب در این مطالعه یعنی شهرستان مرودشت، داراب و اقلید هر کدام با داشتن ۱۶، ۱۳ و ۱۱ تعاونی روستایی، جزء شهرستان‌هایی هستند که بیشترین تعداد تعاونی را دارا می‌باشند. لازم به ذکر است از میان این تعاونی‌ها، ۱۳ شرکت از شهرستان مرودشت، ۱۰ شرکت از شهرستان اقلید و ۹ شرکت تعاونی نیز از شهرستان داراب جهت مطالعه انتخاب شدند. در ادامه اثر کمبود نقدینگی بر حمایت از کشاورزان از دیدگاه مدیران شرکت‌های تعاونی مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور از مدیران عامل خواسته شد تا دیدگاه خود را در مورد اثر میزان کمبود نقدینگی بر میزان حمایت تعاونی‌ها از اعضاء را بیان کنند که نتایج آن در جدول ۱ آورده شده است.

چنانچه در جدول مشاهده می‌شود، ۸۰ درصد از مدیران اعتقاد دارند که کمبود نقدینگی شرکت تعاونی تاثیر منفی خیلی زیادی بر میزان حمایت شرکت از اعضاء داشته و ۱۳ درصد دیگر از مدیران عامل این تاثیر را زیاد ارزیابی کرده‌اند. میانگین این اثر برابر ۳/۷ بوده که حاکی از تاثیر منفی خیلی زیاد کمبود نقدینگی بر حمایت شرکت از اعضاء تعاونی می‌باشد. در ادامه از مدیران تعاونی‌ها خواسته شد تا عمده‌ترین مشکلات تعاونی‌های خود را بیان نمایند که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

چنانچه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۸۵ درصد مدیران عامل تعاونی‌ها کمبود نقدینگی، ۴۳ درصد عدم حمایت اتحادیه تعاونی از شرکت‌های تعاونی، ۳۶ درصد وثیقه و نرخ بهره بالای وام، ۱۴ درصد نداشتن امکانات فیزیکی و ۷ درصد عدم سرمایه گذاری از سوی دولت را به‌عنوان مشکلات تعاونی‌ها ذکر کرده‌اند. بر اساس نتایج می‌توان گفت که کمبود نقدینگی مهم‌ترین مشکل تعاونی‌های روستایی می‌باشد. با توجه به اینکه کمبود نقدینگی می‌تواند بر درآمد و تولید کشاورزان اثر گذار باشد، اثر آن بر کاهش درآمد و تولید اعضاء تعاونی‌ها مورد پرسش قرار گرفت. در جدول ۳ نتایج تاثیر کمبود نقدینگی بر کاهش درآمد اعضاء تعاونی آورده شده است.

با توجه به نتایج به‌دست آمده، ۶۰ درصد از اعضاء تعاونی‌ها تاثیر کمبود نقدینگی را بر کاهش درآمد زیاد و ۲۸ درصد دیگر بسیار زیاد می‌دانند. متوسط امتیاز برابر با ۳/۱ است که نشان‌دهنده‌ی تاثیر منفی زیاد کمبود نقدینگی بر درآمد اعضاء تعاونی‌ها می‌باشد.

مدل سرمایه‌گذاری مورد استفاده در این تحقیق تک معادله‌ای و خطی است و داده‌های مورد استفاده نیز مقطع عرضی می‌باشند. به‌منظور برآورد مدل، ابتدا آزمون‌های لازم جهت بررسی وجود خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس میان جملات اخلاص در مدل سرمایه گذاری با استفاده از

آزمون وایت و آزمون LM^1 و نیز تست نرمال بودن جزء اخلاص با استفاده از آزمون جارک- برا انجام شد. در نهایت روش حداقل مربعات معمولی به عنوان بهترین روش برای برآورد مدل سرمایه گذاری انتخاب گردید که نتایج آن در جدول ۴ آورده شده است.

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که تمامی ضرایب بجز معیار اعتبار مالی از لحاظ آماری معنی دار می باشند. ضریب تعیین مدل نیز برابر با ۰/۵۶ بوده و نشان می دهد که ۵۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. مقدار آماره F نیز برابر با ۱۵/۲ بوده و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار می باشد و نشان می دهد که کل رگرسیون برآوردی از لحاظ آماری معنی دار است.

ضریب مربوط به متغیر سودآوری نهایی سرمایه مثبت و معنی دار می باشد. این نتیجه موافق انتظار است و نشان می دهد که با افزایش سودآوری سرمایه تمایل برای سرمایه گذاری افزایش می یابد. البته ضریب مربوط به متغیر سودآوری سرمایه گذاری نسبتاً کوچک و برابر با ۰/۰۰۴ می باشد. بررسی های انجام شده در شرکت های تعاونی روستایی در استان فارس و مصاحبه حضوری با مدیران این تعاونی ها نشان داده که در این شرکت ها میزان سودآوری نهایی سرمایه منفی بوده و در نتیجه سرمایه گذاری در زمینه ماشین آلات و تجهیزات و نیز ساختمان و تاسیسات سودآور نبوده است. لذا در این شرکت ها انگیزه لازم برای سرمایه گذاری در زمینه ماشین آلات و تجهیزات و نیز ساختمان و تاسیسات وجود نداشته است. شاید بتوان گفت که کوچک بودن مقدار ضریب مربوط به سودآوری نهایی سرمایه نیز به همین دلیل بوده است.

ضریب مربوط به متغیر جریان نقدی مثبت و معنی دار می باشد. این نتیجه مطابق انتظار بوده و نشان می دهد که در تعاونی های روستایی استان فارس محدودیت مالی وجود دارد. به عبارت دیگر وجود محدودیت مالی در شرکت های تعاونی روستایی سبب شده که میزان سرمایه گذاری در این شرکت ها تحت تاثیر جریان نقدی شرکت قرار گرفته و در واقع سرمایه گذاری فیزیکی در تعاونی های روستایی مورد مطالعه به میزان جریان نقدی در این شرکت ها حساس می باشد. ضریب مربوط به متغیر موجودی نقدی مثبت و معنی دار می باشد. به عبارتی میزان موجودی نقدی اثر مثبت و معنی داری بر سرمایه گذاری در تعاونی های روستایی استان فارس دارد.

ضریب مربوط به متغیر اندازه تعاونی منفی و در سطح ۵ درصد معنی دار می باشد. این نتیجه بر این نکته تاکید دارد که اندازه تعاونی در کاهش حساسیت سرمایه گذاری به جریان نقدی در تعاونی های تولید کشاورزی نقش مهمی را ایفا می کند. به علاوه این نتیجه مطابق با نتیجه مطالعه چاداد و همکاران (۲۰۰۵) در رابطه با بررسی محدودیت های مالی در تعاونی های تولید

کشاورزی در آمریکا نیز می‌باشد. بنابراین نتایج حاکی از آن است که در تعاونی‌های روستایی با افزایش میزان دارایی کل، محدودیت‌های مربوط به وثیقه در گرفتن اعتبارات از موسسات مالی و اعتباری کاهش پیدا کرده و محدودیت‌های مالی کم شده و در نتیجه حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان نقدی کاهش پیدا می‌کند.

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که بر طبق انتظار ضریب مربوط به متغیر اثر متقابل میان معیار نسبت بدهی به سرمایه با جریان نقدی در مدل سرمایه گذاری مثبت و معنی‌دار می‌باشد. این نتیجه بیانگر این است که در شرکت‌های تعاونی روستایی با افزایش میزان نسبت بدهی به سرمایه حساسیت سرمایه گذاری به جریان نقدی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر با افزایش بدهی‌ها در شرکت‌های تعاونی روستایی، وضعیت مالی در این شرکت‌ها وخیم‌تر می‌شود و به دنبال آن، امکان دسترسی به منابع و وجوه خارجی و گرفتن اعتبارات از موسسات مالی و اعتباری جهت سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کرده و حساسیت سرمایه گذاری به جریان نقدی و وجوه مالی افزایش می‌یابد.

با توجه به ضرایب برآورد شده مدل، متغیرهای میزان جریان نقدی، موجودی نقدی نقش اساسی و مهمی در رفتار سرمایه گذاری تعاونی‌های روستایی دارند. پس از دو متغیر فوق، متغیرهای سودآوری نهایی، اندازه واحد و نسبت بدهی به سرمایه از جمله عوامل تاثیر گذار بر سرمایه گذاری در تعاونی‌های روستایی می‌باشند. همچنین در این مدل نیز معیار اعتبار مالی معنی‌دار نمی‌باشد.

در ادامه معیار قدرت مدیریت مالی مدیران در شرکت‌های تعاونی روستایی بر اساس معادله‌ی (۵) و (۶) محاسبه شد. نتایج حاصل از محاسبه معیار قدرت مدیریت مالی شرکت‌های تعاونی روستایی استان فارس نشان داد که از ۱۵ تعاونی مورد بررسی، تنها در پنج تعاونی قدرت مدیریت مالی وجود دارد. به عبارت دیگر فقط مدیران ۳۳ درصد از شرکت‌های تعاونی روستایی از قدرت مدیریت مالی مناسبی برخوردار بوده و در ۶۷ درصد دیگر، معیار قدرت مدیریت دارای ارزش منفی یا صفر بوده و در این شرکت‌ها مدیران از قدرت مالی مناسبی برخوردار نیستند. در نمودار ۲ وضعیت نسبت سرمایه به دارایی ۱۵ شرکت تعاونی مورد بررسی آورده شده است.

نکته قابل توجه در نمودار فوق آن است که هیچکدام از شرکت‌های تعاونی روستایی نسبت سرمایه به دارایی بیشتر از ۳۰ درصد ندارند. لذا می‌توان گفت در این تعاونی‌ها ساختار سرمایه ضعیف بوده و ریسک مالی در این تعاونی‌ها بالا است و به تبع آن محدودیت‌های مالی افزایش و در نتیجه میزان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده، می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه نمود:

با توجه به اینکه بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که محدودیت سرمایه و کمبود نقدینگی از عوامل بازدارنده در گسترش فعالیت شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی می‌باشد، استفاده از شیوه‌ی تجهیز سرمایه از منابع داخلی، به صورت ترکیب فعالیت اعتباری با بازاریابی می‌باشد. شرکت‌های تعاونی با افتتاح حساب‌های سپرده برای اعضا و پرداخت سود به آنان، می‌توانند انگیزه‌ی لازم را برای سپرده‌گذاری فراهم سازند. بدین منظور پیشنهاد می‌شود که شرکت‌های تعاونی روستایی نسبت به ایجاد صندوق‌های اعتباری اقدام نمایند. ایجاد چنین صندوق‌هایی در برخی از شرکت‌ها با موفقیت روبرو بوده و شرکت‌ها با استفاده از این منابع می‌توانند فعالیت‌های خرید و بازاریابی محصولات را گسترش داده و به اعضا وام پرداخت نمایند.

انجام فعالیت‌های اعتباری می‌تواند در داخل شرکت‌ها انجام گردد و در سطح شهرستان نیز این کار می‌تواند توسط اتحادیه شهرستان انجام شود، ولی در سطح استان و مرکز، برای هماهنگی فعالیت‌ها، تشکیل اتحادیه‌های تعاونی اعتباری تخصصی پیشنهاد می‌گردد. این اتحادیه‌های تخصصی اعتبار می‌توانند به‌عنوان واسطه میان موسسات مالی و اعتباری از یک‌سو و شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی از سوی دیگر عمل نموده و ضمن فراهم ساختن منابع جدید اعتباری و پذیرش سپرده بر عملکرد شرکت‌ها در زمینه فعالیت‌های اعتباری نظارت نمایند.

با توجه به اینکه یکی از عوامل موفقیت شرکت‌های تعاونی روستایی در انجام فعالیت‌های اعتباری، وفاداری اعضا به شرکت‌های تعاونی می‌باشد، بایستی اقدامات مختلفی در زمینه مشارکت اعضا در امور شرکت‌های تعاونی فراهم گردد. چون سطح مشارکت اعضا در امور شرکت‌های تعاونی در سطح پایین می‌باشد، در این رابطه اقداماتی مانند اطلاع‌رسانی بموقع و گسترده در مورد شرکت در مجمع عمومی، انتخاب آزادانه هیات مدیره شرکت، باز بودن دفاتر برای بازرسی اعضا و پاسخگویی هیات مدیره به پرسش‌های اعضا می‌تواند به گسترش مشارکت و افزایش اعتماد و در نتیجه وفاداری اعضا به شرکت‌ها کمک کند.

آگاهی اعضا از فعالیت صندوق از طریق برگزاری مجامع عمومی، شفافیت و باز بودن دفاتر شرکت، سرعت در پرداخت وام به متقاضیان و پرداخت به‌موقع سود سهام به اعضا صندوق‌های اعتباری می‌تواند نقش مهمی در موفقیت و ادامه فعالیت این صندوق‌ها داشته باشد.

برگزاری کلاس‌های ترویجی در زمینه آشنایی کشاورزان با فعالیت صندوق‌های اعتباری نقش موثری در مشارکت آنها در این صندوق‌ها دارد. لذا پیشنهاد می‌شود قبل از راه‌اندازی این صندوق‌ها، کلاس‌هایی در زمینه آشنایی اعضا تعاونی‌ها با این صندوق‌ها و مزایای آن در تجهیز پس‌انداز کشاورزان برگزار گردد.

با توجه به اینکه نتایج حاصله تاثیر منفی کمبود نقدینگی بر درآمد و تولید اعضاء تعاونی ها را تایید می کند، از طریق تامین مالی تعاونی ها و در نتیجه تامین مالی کشاورزان، می توان موجب افزایش درآمد و تولید آنان را فراهم ساخت. افزایش درآمد کشاورزان نیز به نوبه ی خود موجبات افزایش پس انداز شده و از این طریق دسترسی به منابع مالی برای کشاورزان بیشتر می گردد. این فرآیند دو طرفه می تواند از یکسو به افزایش درآمد و پس انداز کمک کرده و از سوی دیگر دسترسی به اعتبارات را برای کشاورزان آسان تر نماید.

با توجه به تاثیر مثبت اندازه تعاونی ها بر سرمایه گذاری در این شرکت ها، پیشنهاد می شود که شرکت های تعاونی کوچک در یکدیگر ادغام شده و یا از طریق فعالیت های مشترک توانایی مالی خود را افزایش دهند.

هر چند مدیران عامل تعاونی های مورد بررسی همگی دارای تحصیلات دانشگاهی بودند، اما تجربه آنها در خصوص مدیریت تعاونی نسبتاً کم است. بر این اساس پیشنهاد می شود آموزش های تخصصی در زمینه مدیریت تعاونی و حسابداری و امور مالی به مدیران تعاونی های روستایی داده شود.

با توجه به نقش اندک صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی در تامین مالی شرکت های تعاونی، می توان با تشویق تعاونی ها به جمع آوری پس انداز اعضاء و سرمایه گذاری در صندوق موجبات افزایش دسترسی شرکت های تعاونی روستایی کشاورزی را به اعتبارات خرد فراهم ساخت.

با توجه به نتایج مطالعه و همچنین تشکیل بانک تعاون در کشور، می توان ساختار سازمانی به شرحی که در نمودار ۳ آمده را برای تامین مالی و افزایش نقدینگی شرکت های تعاونی روستایی و کشاورزی پیشنهاد نمود.

چنانچه در نمودار مشاهده می شود، شرکت های تعاونی روستایی، شرکت های تعاونی تولید و شرکت های تعاونی کشاورزی اصلی ترین سطح را در ساختار پیشنهادی تشکیل می دهند. این شرکت ها به منظور تامین مالی تعاونی ها بایستی سه فعالیت اصلی را هماهنگ با یکدیگر انجام نمایند. این فعالیت ها شامل تامین نهاده ها، فعالیت های اعتباری شامل جمع آوری پس انداز و اعطای وام و فعالیت های بازاریابی محصولات می باشد. افزودن فعالیت های اعتباری، چنانچه پیش از این اشاره شد، سبب جمع آوری پس انداز اعضاء گردیده و از این محل شرکت ها می توانند نسبت به پرداخت وام های تولیدی و مصرفی به اعضاء اقدام کنند.

از سوی دیگر این امر سبب می گردد که با جمع آوری نقدینگی لازم، امکان انجام و گسترش فعالیت های بازاریابی مانند فروش، انبارداری و بسته بندی فراهم گردد. شرکت های تعاونی در نخستین گام می توانند، با عرضه محصولات کشاورزی در بازارها و در زمان مناسب به افزایش

درآمد کشاورزان کمک نمایند. با افزایش توان مالی شرکت‌ها و در نتیجه کشاورزان، امکان سرمایه‌گذاری بیشتر در صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی فراهم شده و امکان دسترسی به اعتبارات به میزان بیشتری فراهم می‌گردد.

بر اساس نمودار ۲، در سطح استانی علاوه بر اتحادیه‌های تعاونی استان که در حال حاضر شامل اتحادیه‌های تعاون روستایی، اتحادیه‌ی تعاونی تولید و اتحادیه‌ی تخصصی کشاورزی می‌باشند، دو اتحادیه جدید بنام "اتحادیه اعتباری" و "اتحادیه بازاریابی" به منظور کمک به انجام فعالیت‌های اعتباری و بازاریابی شرکت‌های تعاونی تشکیل می‌گردد. اتحادیه اعتباری با عضویت شرکت‌های تعاونی که نسبت به انجام فعالیت‌های اعتباری و تشکیل صندوق‌های اعتباری اقدام نموده‌اند، در سطح استان تشکیل شده و وظیفه‌ی تامین اعتبار از طریق برقراری ارتباط با بانک‌ها و صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی، هماهنگی، نظارت و آموزش مدیران شرکت‌ها را در رابطه با انجام فعالیت‌های اعتباری بر عهده دارند.

اتحادیه استانی بازاریابی کشاورزی نیز با عضویت شرکت‌های تعاونی مختلفی که فعالیت‌های بازاریابی انجام می‌دهند، تشکیل شده و وظیفه‌ی آنان تامین نهاده‌های مورد نیاز شرکت‌ها از منابع دست اول، هماهنگی، نظارت و آموزش مدیران شرکت‌ها، کمک به شرکت‌ها جهت فروش محصولات کشاورزان در بازارهای و زمان مناسب از طریق جمع‌آوری و انتشار اطلاعات، هماهنگی میان شرکت‌ها و در صورت نیاز خرید محصولات از شرکت‌های مختلف، جمع‌آوری آنان و اقدام برای فروش در بازارهای داخلی و یا صادرات می‌باشد.

با ایجاد اتحادیه‌های تخصصی استانی وظایف اعتباری و بازاریابی که در حال حاضر برخی از اتحادیه‌ها به صورتی محدود انجام می‌دهند، به اتحادیه‌های مزبور واگذار شده و وظیفه اتحادیه استانی، ایجاد هماهنگی، نظارت و آموزش پرسنل و مدیران شرکت‌ها می‌باشد. در این میان به‌ویژه بایستی در جهت کمک به شرکت‌ها در زمینه افزایش مشارکت اعضاء و خود اتکایی و استقلال شرکت‌ها اقدامات اساسی انجام شود. زیرا انجام فعالیت‌های اعتباری به‌منظور تامین نقدینگی و افزایش توان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها به میزان آگاهی، مشارکت و وفاداری اعضاء به شرکت‌ها بستگی دارد. افزون بر این، توانایی مدیریت شرکت‌ها در موفقیت شرکت در تنوع بخشیدن به فعالیت‌های خود در زمینه اعتباری، نقش مهمی دارد. در این راستا آگاه ساختن اعضاء به اهمیت و نقش مدیریت در گسترش فعالیت شرکت‌ها می‌تواند به انتخاب مدیران شایسته منجر شود. در مراحل پیشرفته‌تر، شرکت‌ها به‌منظور به‌دست آوردن موفقیت‌های بیشتر بایستی مدیرانی با سطح دانش و تجربه مدیریتی بالا را به استخدام شرکت تعاونی در آورند.

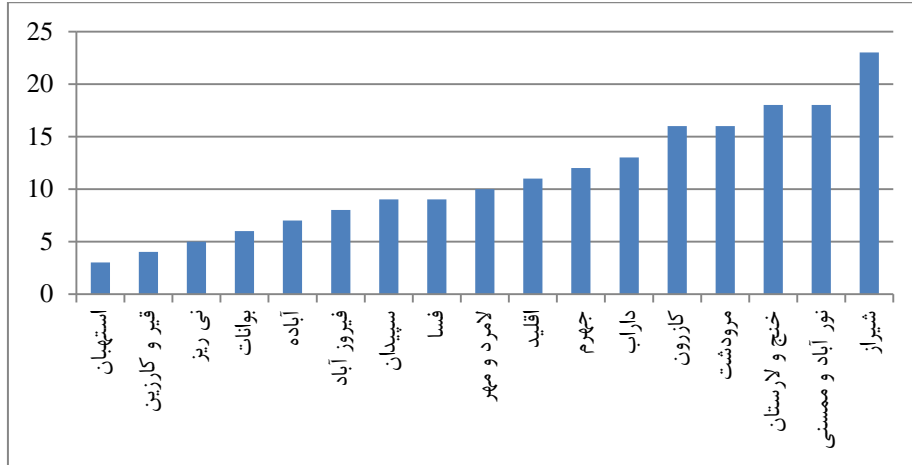
در سطح ملی، اتحادیه‌ی ملی تعاونی کشاورزی با عضویت اتحادیه‌های تعاونی روستایی، تولید و کشاورزی تشکیل شده و وظیفه‌ی هماهنگی، نظارت، تدارکات، اطلاع رسانی و آموزش شبکه‌ی تعاونی کشور را بر عهده دارد. این اتحادیه بالاترین ارگان در نظام تعاونی کشور بوده و برای انجام عملیات تخصصی دارای دو بازوی جانبی بنام "اتحادیه ملی اعتباری" و "اتحادیه ملی بازاریابی کشاورزی" می‌باشد. اتحادیه ملی اعتباری با عضویت اتحادیه‌های تعاونی اعتباری استانی تشکیل شده و وظیفه‌ی هماهنگی، نظارت، آموزش و تأمین اعتبار از طریق برقراری ارتباط با بانک‌های کشاورزی و تعاون و به‌طور کلی شبکه بانکی را بر عهده دارد. اتحادیه‌ی ملی بازاریابی کشاورزی نیز با عضویت اتحادیه‌های بازاریابی کشاورزی استانی تشکیل و وظایف آن نظارت، هماهنگی، آموزش و تأمین نهاده‌های مورد نیاز اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی از طریق خرید از منابع داخلی و یا واردات از کشورهای خارجی می‌باشد. افزون بر این، این اتحادیه دارای واحد اطلاعات بازار بوده و نسبت به تهیه‌ی آمار مربوط به عرضه، تقاضا و قیمت در بازارهای داخلی و خارجی، به اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی در جهت اتخاذ تصمیم در مورد فروش و بازاریابی محصولات جمع‌آوری و یا خریداری شده از اعضاء کمک می‌نماید.

همچنین، اتحادیه‌ی تعاونی بازاریابی در زمینه‌ی بازاریابی برای فروش محصولات در بازارهای خارجی و صادرات محصولات کشاورزی نسبت به شناسایی بازارها اقدام و خود نیز می‌تواند نسبت به صادرات محصولات کشاورزی اقدام نماید. همچنین اتحادیه مزبور می‌تواند با ایجاد انبارها و سردخانه‌های مجهز نسبت به خرید محصولات از تعاونی‌ها و ذخیره سازی آنان جهت ایجاد تعادل در قیمت بازار در فصول مختلف اقدام و در صورت کمبود تولیدات داخلی نسبت به واردات محصولات غذایی مورد نیاز اقدام نماید. در این راستا، اتحادیه ملی اعتباری و بازاریابی می‌تواند با بهره‌گیری از خدمات صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی و بانک‌های کشاورزی، تعاون و سایر بانک‌های تجاری همگام با جذب پس‌انداز و منابع مالی درون شبکه تعاونی، نسبت به تأمین مالی و فراهم ساختن نقدینگی لازم برای انجام خدمات خود به کشاورزان اقدام نمایند.

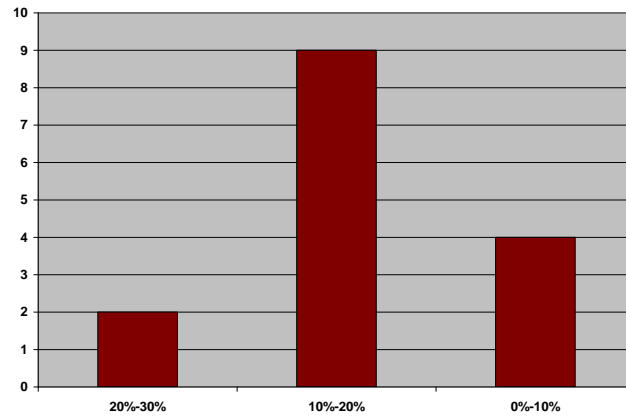
References:

1. Ahmadpour, M. Hosseini, R. 2007. Factors affecting credit demand in Sistan. *Journal of Agricultural Economics and Development*. 58: 91-110.
2. Bierlen, R. W. and A. M. Featherstone. 1998. Fundamental q, cash flow, and investment: Evidence from farm panel data. *The Review of Economics and Statistics*. 80: 427-435.
3. Chaddad, F. R., M. L. Cook and T. Heckelei. 2005. Testing for the presence of financial constraints in US agricultural cooperatives: An investment behavior approach. *Journal of Agricultural Economics*. 56: 385-397.
4. Erickson, T. and T. M. Whited. 2000. Measurement error and the relationship between investment and q. *Journal of Political Economy*. 108:1027-57.
5. Hassanpourkashani, S. 2007. Study of financial constraints and investment in production cooperatives of Fars province. M.S. Thesis. Shiraz University. Shiraz 1027-1057.
6. Hoshi, T., A. K. Kashyap and D. Scharfstein. 1991. Corporate structure, liquidity, and investment: Evidence from Japanese industrial groups. *Quarterly Journal of Economics*. 106: 33-60.
7. Murray, G. 1983. Management strategies for corporate in British agricultural cooperatives. *Agricultural Administration*. 14: 51-63.
8. Rokneddineftekhari, E. R. and Einali, J. Effects of microcredit on agricultural development. *Agricultural Economics and Development*. 56:45-76.
9. Russo, C. and M. Sabbatini. 2002. Equity management practices in Italian agricultural cooperatives: A cluster analysis approach. EAAE Congress

پیوست‌ها:



نمودار ۱: چگونی پراکندگی تعاونی های روستایی در استان فارس



نمودار ۲: نسبت سرمایه به دارایی شرکت‌های تعاونی روستایی استان فارس

جدول ۱: دیدگاه مدیران تعاونی‌ها درباره میزان تاثیر کمبود نقدینگی بر حمایت تعاونی‌ها از اعضا

میزان	امتیاز	تعداد	درصد
هیچ	۰	صفر	صفر
کم	۱	صفر	صفر
متوسط	۲	۱	۷
زیاد	۳	۲	۱۳
خیلی زیاد	۴	۱۲	۸۰
مجموع		۱۵	۱۰۰
میانگین امتیاز		۳/۷	
انحراف معیار امتیاز		۰/۵۹	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲: مشکلات تعاونی‌های روستایی از دیدگاه مدیران عامل تعاونی

مشکل	فراوانی	درصد*
کمبود نقدینگی	۱۲	۸۵
عدم حمایت اتحادیه تعاونی	۶	۴۳
مشکل وثیقه و نرخ بهره بالا	۵	۳۶
نداشتن امکانات فیزیکی	۲	۱۴
عدم سرمایه‌گذاری دولتی	۱	۷

ماخذ: یافته‌های تحقیق

* در بیشتر موارد بیش از یک مشکل بیان شده است.

جدول ۳: تاثیر کمبود نقدینگی بر کاهش درآمد اعضاء شرکت تعاونی روستایی

میزان	امتیاز	تعداد	درصد
هیچ	۰	۲	۱
کم	۱	۲	۱
متوسط	۲	۱۵	۱۰
زیاد	۳	۸۶	۶۰
خیلی زیاد	۴	۴۰	۲۸
مجموع		۱۴۵	۱۰۰
میانگین امتیاز		۳/۱	
انحراف معیار امتیاز		۰/۷۴	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴: عوامل موثر بر سرمایه گذاری در تعاونی های روستایی استان فارس

متغیر	ضریب	خطای معیار
C	عرض از مبدا	۰/۲۲۱
Q	سود آوری نهایی سرمایه	۰/۰۰۲
CF	میزان جریان نقدی	۰/۱۵۶
CS	موجودی نقدی	۰/۱۸۱
Size	اندازه واحد	۰/۰۰۱
Z-Score	معیار اعتبار مالی	۰/۰۷۴
Debt Ratio	نسبت بدهی به سرمایه	۰/۰۱۷
R^2		۰/۵۶
F		۱۵/۲***
DW		۱/۲

* و ** و *** به ترتیب نمایانگر معنی دار بودن در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

